

پژوهش در تاریخ، سال سیزدهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

## بنابر قانونی که خدایان وضع کرده اند!

### بررسی مجدد ۳۲۲+۲۳۳۲۱ MDP<sup>۱</sup>

حسین بادامچی<sup>۲</sup>

ترجمه: افسانه حنائی<sup>۳</sup>

چکیده:

کاترین د گراف در مقاله اخیرش دو اثر مَهر و یژَه بر روی الواح مربوط به اواخر سوکل‌مخ شوش و اوایل کیدینو هفت‌تپه را مورد بحث قرار داده است. یکی از نوشته‌ها، حاوی اولین مهر و موم مربوط به MDP 23، 321+322 است که لوح شوش می‌باشد و محاکمه‌ای با موضوع مالکیت زمین بر روی آن ثبت شده است. به دنبال مطالعه د گراف، مقاله حاضر مجدداً پرونده را بررسی می‌کند و اینگونه استدلال می‌کند که متن به یک محاکمه می‌پردازد، که به احتمال زیاد یک جلسه دادگاه اولیه بوده است. برخی از ویژگی‌های استثنایی متن، از جمله نهاد برادری، استناد منحصر به فرد قانون، و هیئت قضایی تأثیرگذار، شایسته توجه است.

واژگان کلیدی: لوح شوش، د گراف، محاکمه، قرارداد برادری، مالکیت زمین.

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Hossein Badamchi, 2019, «According to the Laws Established by the Gods! A Re-Examination of MDP 322+321, 23», Zeitschrift für Assyriologie, 154–145: (2)109.

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران: hbadamchi@ut.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان، دانشگاه تهران: afsaneh.hanaei@gmail.com

### پیشگفتار

دگراف در مقاله اخیر خود مطالعه‌ای متبحرانه در مورد دو اثر مهر استثنایی بر روی الواح اواخر سوکلیمخ شوش و اوایل کیدینو هفت‌تپه انجام داد.<sup>۱</sup> با تجزیه و تحلیل کتیبه‌ها، نویسنده به این نتیجه می‌رسد که هر دو مهر باید مهرهای رسمی بوده باشند که توسط مقامات قضایی در هنگام تجدید نظر به دیوان عالی استفاده شده است. در میان دیگر متون، دگراف<sup>۲</sup> در مورد MDP ۳۳۱، ۳۳۲+۳۳۱ اظهار نظر کرد است، لوح فوق‌العاده جالبی از شوش که محاکمه‌ای را در مورد مالکیت زمین ثبت می‌کند، و اولین مهر مورد بررسی ما بر آن نقش بسته است. در سنت بینالنهرین، برای تضمین اصالت یک سند قانونی، لوح را در پاکتی از گل قرار می‌دادند که تمام متن سند بر روی آن تکرار شده و بر آن مهر زده می‌شد.<sup>۳</sup> در بابل، از زمان سلطنت سامسو-ایلونا، قالب جدیدی برای قراردادهای الزام‌آور قانونی به وجود آمد که از این مدل خارج شد: لوح‌هایی که از نظر شکل و ترتیب متن شبیه به پاکت نامه‌های معمولی هستند، با این تفاوت که حاوی لوح داخلی نیستند – این الواح به عنوان Quasi-Hüllentafel<sup>۴</sup> (لوح در پاکت گلی) شناخته شده‌اند.<sup>۵</sup> این نوع الواح در اواخر دوره سوکلیمخ در شوش نیز وجود داشت، همانطور که در MDP ۳۳۱+۳۳۲ به ما نشان داده شده است (دو عدد به دو قطعه به هم پیوسته اشاره دارد). بر اساس تفسیر دگراف، این سند سه محاکمه را ثبت می‌کند: یکی جلسه اولیه و دو جلسه استیناف. بنابراین، این پرونده حکم دادگاه عالی نامیده می‌شود: «مهم‌ترین نکته برای مقاله حاضر این واقعیت است که MDP ۳۳۱+۳۳۲ رویه و رأی یک «دادگاه عالی» را ثبت می‌کند، که به نظر من توضیح می‌دهد که چرا این مهر استثنایی بر روی لوح، نقش بسته است. (...) این مهر یک قاضی خاص نیست، بلکه مهر «دادگاه عالی» است که توسط ایشمکرب، خدای عدالت، به شهر شوش داده شده است، که غرابت این افسانه، صحنه اعطای ابعاد و همچنین دلیل استفاده استثنایی از آن را توضیح می‌دهد.»<sup>۶</sup>

دگراف مشاهده می‌کند که «اگرچه در قرن هفدهم قبل از میلاد استفاده از پاکت‌ها کاهش یافت، زمانی که لوح‌ها شروع به مهر و موم شدن

۱. تمام مهرهای هفت تپه توسط مفیدی نصرآبادی (۱۳۹۰) با جزئیات مورد مطالعه قرار گرفتند. متأسفانه، این تحقیق توسط دگراف استناد نشده است.

2. K.De Graef (2018a): The seal of an official or an official seal The use of court seals in Old Babylonian Susa and Haft Tepe, Journal of the American Oriental Society 138, p.134-132

3. J. Renger (1977). Legal aspects of sealing in ancient Mesopotamia, in: M. Gibson/R. D. Biggs (ed.), Seals and sealing in the ancient Near East. Malibu, p.75.

رنگر خاطرنشان می‌کند که در هزاره اول قبل از میلاد، پاکت نامه‌ها دیگر مورد استفاده قرار نمی‌گرفتند: «در عوض، دو نسخه یکسان از قرارداد صادر شد، مهر و موم شد و به دو طرف داده شد.»

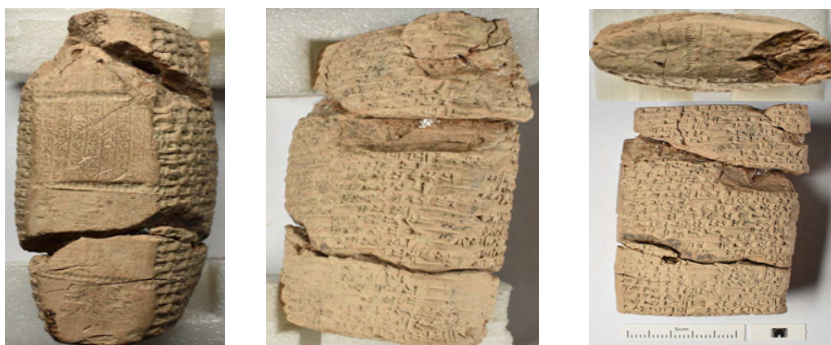
سپاسگزاری: نویسنده یکی از همکاران الکساندر فون هومبولت در دانشگاه یوهان ولفگانگ گوته، فرانکفورت است. من از جی. فایفر، پی. استینکلر و اف. مالبران-لبات برای بحث در مورد متن خط میخی با من و ویراستاران ZA و اف. ون کوپن برای ایجاد بهبودهای ارزشمند در مقاله سپاسگزارم.

۴. وحی که پاکت گلی ندارد و مستقیماً بر روی لوح مهر شده.

5. C.Wilcke (1982): Zwei spät-altbabylonische Kaufverträge aus Kiš, in: G. van Driel [e. a.] (ed.), Zikir šumim. Studies F. R. Kraus. Leiden, p.483-450.

6. K.De Graef (2018a): The seal of an official or an official seal The use of court seals in Old Babylonian Susa and Haft Tepe, Journal of the American Oriental Society 138, p.133

کردند، این عمل در دوره‌های مختلف احیا شد و برخی از لوح‌های نو آشوری در پاکت‌های مهر و موم شده قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup>



### 322+MDP23,321

مفسران قدیمی‌تر که کوشاکر<sup>۲</sup> نخستین آن بود، با این فرضیه که برادرسالاری به عنوان یک دوره موقتی بین یک نظام خانوادگی مادرسالار و پدرسالار متأخرتر وجود داشته است؛ با متن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. کوشاکر این محاکمه را به عنوان سندی برای افول برادرسالاری تلقی کرده است. وستبروک<sup>۳</sup>، با اشاره به اصل فرموله‌شده در سطرهای ۱۶ تا ۲۰، خاطرنشان می‌کند: «هر چند این اصل معتبر باشد، اما در پرونده خاص سودی برای خواننده در برداشت، زیرا به دلایلی که روشن نیست بر اساس اسناد و مدارک ارائه شده توسط شاکیان، دادگاه به نفع آنها رأی می‌دهد.» طبق تفسیر وستبروک، خواننده علیرغم استدلال معتبری که ارائه می‌کند، پرونده را می‌بازد: «پیچیدگی دیگر این است که اگر چه دادگاه به نفع خواننده حکم می‌دهد، سپس به نظر می‌رسد که مال را بین شاکیان و خواننده تقسیم می‌کند.»<sup>۴</sup>

مقاله حاضر به عنوان یک بخش تکمیل‌کننده برای تلاش اخیر د گراف، متن ۳۲۱+MDP۲۳،۳۲۲ را مجدداً بررسی می‌فایند و استدلال می‌کنند که تنها یک محاکمه را ثبت کرده، که در آن خواهانان در دادگاه موفق نشدند و تناقض ادعایی را که وستبروک به آن اشاره کرد، برطرف شد. با یک نسخه (مخفف) متن به همراه تصاویر لوح نگهداری شده در موزه ملی ایران شروع می‌کنیم.<sup>۵</sup>

1. D.Collon (ed.) (1997): 7000 years of seals. London, p.18

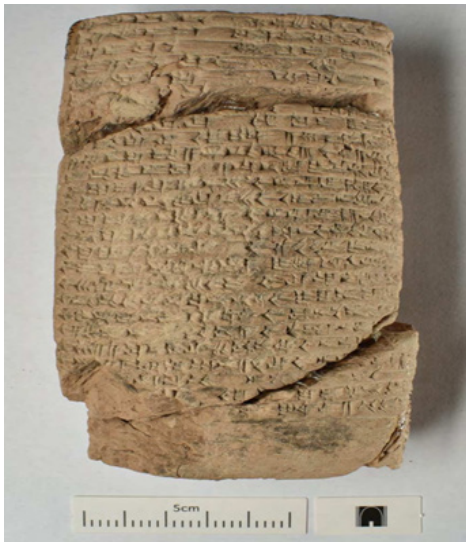
2. P.Koschaker (1933): Patriarchat, Hausgemeinschaft und Mutterrecht in Keilschriftrechten, Zeitschrift für Assyriologie 41, p.-49 51

3. R.Westbrook (1991): Property and the Family in Biblical Law. Sheffield, p.130

۴. خط‌های ۲۸-۴۰ lēūssunu iškunū

۵. خط‌های ۴۱-۴۶ تا حدی شکسته شده است.

۶. برای دسترسی به لوح (BK ۱۷۲۳) در موزه ملی ایران در تهران، از س. پیران، متصدی و رئیس فعلی اداره کتیبه‌ها و م. قلیچ خانی، رئیس بخش عکاسی تشکر می‌کنم.



2- MDP322+23,321 و تفسیر آن

- 1 aš-šum níg.gur<sub>11</sub> uruki ù EDIN  
 2 A.ŠÀ É.DÙ.A ù gišKIRI<sub>6</sub>  
 3 A.ŠÀ 1.0.0 GUR TA.ÀM NUMUN BAL 3.KAM  
 4 šà a-ḥu-ḥu-tu i-ku-lu-ú-ma  
 5 [a-na] be-li-i ma-ri-šu i-zi-bu-[ma]  
 6 [a-ni-iḥ]-šu-šu ù lu-u-lu  
 7 [DUMUmeš dam-qi]-ia  
 8 [a-na be-li-i] DUMU a-ḥu-ḥu-ti  
 9 [a-na di-nim it-te-b]u-ú-ma um-ma šu-nu-ú-ma  
 10 NÍG.GUR<sub>11</sub> šà a-ḥu-ḥu-ti [a-bi šà]mbe-li-i  
 11 ni-nu ni-ka-al-mi [ù ma-ḥar te-pirir ]  
 12 ù ḥa-bil-ki-in DI.KUD [im-ḥu-ru-ma]  
 13 in-né-em-du-ú-ma [...]  
 14 um-mam be-li-i-mam dam-qi-ia DUMU a-ni-40 DUMUmeš dam-qi-ia iš-ku-nu-ú-ma  
 iḥ-šu-ši-im  
 15 a-na aḥ-ḥu-ti il-qé-šu-ú-ma  
 16 i-na ku-bu-us-sé-e šà aḥ-ḥu-tam aḥ-ḥu-tam  
 17 ù ma-ru-tam ma-ru-tam šàd MŪŠ.EREN  
 18 ù d iš-me-ka-ra-ab ku-bu-us-sà iš-ku-nu-ú-ma  
 19 NÍG.GUR<sub>11</sub> šà A-ḥu-ḥu-ti a-bi-ia  
 20 [...] it-tu-ra-am-mi  
 21 te-pirir [ù da]-a-a-nu ḥa-aš-šà ki-pa-rum  
 22 ù DUMUmeš [šu-ší]-im ma-a-du-tu  
 23 it-ti te-pirir [ù da]-a-a-ni iz-zi-zu-ú-ma  
 24 re-eš<sub>15</sub> NÍG.GUR<sub>11</sub> iš-šu-ú-ma  
 25 ù DUB-pa-ti šà dam-qi-ia  
 26 šà NÍG.GUR<sub>11</sub> šà a-ni-iḥ-šu-ši-im a-bi-šu  
 27 A.ŠÀmeš É.DÙ.Ameš ù gišKIRI<sub>6</sub>  
 28 šà e-be-er-ta ù [i-na] ú-ga-ar šu-ší-im  
 29 i-na MU ta-a-ta ù te-em-ti-a-gu-un  
 30 mdam-qi-ia it-ti ma-mur-nu-úr-šu a-ḥi-šu  
 31 zi-zu me-e-sú-ú du-ub-bu-rù  
 32 ṭup-pa-ti šà zi-zu-ú-ti  
 33 a-ša!-ar te-pirir ù da-a-a-ni  
 34 ub-lu-ni-im-ma te-pirir da-a-a-nu  
 35 ù DUMUmeš šu-ší-im ma-a-du-tu  
 36 pi-i dub-ti šà zi-it-ti  
 37 iš-mu-ú-ma te-pirir ù da-a-a-nu  
 38 le-ú-sú-nu šà lu-ú-lu  
 39 ù a-ni-iḥ-šu-ši-im  
 40 DUMUmeš dam-qi-ia iš-ku-nu-ú-ma  
 41 [...] NÍG.GUR<sub>11</sub> [... šu-ší-im]  
 42 [šà ki-i NÍG.GUR<sub>11</sub>]-šu-nu i-ku-lu-ú  
 43 ma-ni-iḥ-šu-šu ù lu-ú-lu-ú iṭ-ru-du  
 44 NÍG.GUR<sub>11</sub> URUKI ù EDIN A.ŠÀ É.DÙ.A ù gišKIRI<sub>6</sub>  
 45 A.ŠÀ 1.0.0 GUR TA.ÀM NUMUN BAL 3.KAM šà  
 a-ḥu-ḥuti a-bi-šu  
 46 ú-bi-bu-ú-ma a-na be-li-i ma-ri-šu id-di-nu  
 (... PN ḥa-aš-šà (47) PN ki-pa-rum (47), PN ku-du-  
 uḥ-ta-aš (49), PN gu-gal-lim (50), PN ḥu-pir-ri-ri-  
 šà (54), PN mte pirir (55), PN DUB.SAR (58))  
 59 [IGI 23 ší]-ib-ší-bi an-nu-ti  
 60 [a-ni-iḥ]-šu-šu ù lu-lu-ú DUMU dam-qi-ia  
 61 [...] ú i-na é a-bi li-il-[-...]

- (۳-۱) در مورد ملک در شهر و روستا، اعم از مزرعه، خانه یا باغ، (عملاً) رضایت آنها، تحت سوگند (پادشاهان) تاتو و تمی آگون، اموال آنبخ شوشو، یک مزرعه (نیازمند) یک کور بذر، در ناحیه سوم، پدرش، را تقسیم کرده است. مزارع و خانه ها و باغ‌های واقع در آن طرف، (۵-۴) که اخوختو ارتفاع آن را داشت و آن را به بیلی، پسرش واگذار کرد و در زمین های حاصلخیز شوش، (آن) لوح‌های تقسیم ارث را برای وزیر و قضات می‌آورند. (۹-۶) آنبخ شوشو و لولو، پسران دمقیا، علیه بیلی، پسر اخوختو، ادعا کردند و گفتند: (۴۰-۳۴) وزیر، قاضی (ها) و سایر شهروندان شوش متن الواح مربوط به سهم‌الارث را شنیدند و وزیر و قاضی قدرت/ توانایی لولو و آنبخ شوشو فرزندان دمقیا را مشخص کردند.
- (۲۰-۱۰) «ما صاحبان اموال اخوختو پدر بیلی هستیم!» و آنها با هم در برابر وزیر (تپیر) و خییل کینو قاضی ظاهر شدند. بیلی چنین می‌گوید: «دمقیا پسر آنبخ شوشو او را به برادری پذیرفت. طبق عرف/قانونی که خدایان اینشوشیناک Inšušinak و ایشمکرب Išme-karab وضع کرده‌اند - که قرارداد برادری رابطه برادری ایجاد می‌کند و قرارداد پسری رابطه پسری ایجاد می‌کند - دارایی اخوختو، پدرم، [...] متعلق به من است.»
- (۲۴-۲۱) وزیر (تپ پیر) و قاضی - خَشَه و کیپارو (مقامات) و سایر شهروندان شوش در کنار وزیر و قاضی نشستند - اموال موجود را مورد بررسی/تحقیق قرار دادند. (۶۱-۵۹) در برابر این شاهدان، آنبخ شوشو و لولو، پسران دمقیا [...] باید (۳۴-۲۵) الواح دمقیا، مبنی بر این که دمقیا با برادرش آموز نورشو، به طور کامل و به

اسناد محاکمه بین‌النهرین معمولاً دارای شش بخش هستند:<sup>۱</sup>

۱) بند مقدماتی که در آن شخصی (شاکی) علیه دیگری (مدافع) در مورد یک شی اقامه دعوا می‌کند.

۲) گشایش مراحل قانونی (معمولاً با عبارت دینام شوذوم بیان می‌شود).

۳) مدارک شامل سوگند، شهود و الواح ارائه و بررسی می‌شود.

۴) دادگاه حکم می‌دهد.

۵) مجازات بر یکی از طرفین دعوا اعمال می‌شود.

۶) بند ختم با بیان سوگند و/یا انصراف از ادعا.

این ساختار تا حدودی نحوه گزارش پرونده را تعیین می‌کند. متن معمولاً جزئیات محاکمه را به ترتیب زمانی ثبت می‌کند که در آن ذکر برخی از عناصر

اجباری اما برای برخی دیگر اختیاری بود. با توجه به این مدل، سؤالات زیر به تجزیه و تحلیل سند کمک می‌کند:

۱) طرفین دعوا چه کسانی هستند؟ (۲) موضوع دعوا چیست؟ (۳) ادعا چیست؟ (۴) دفاعیات ارائه شده توسط متهم چیست؟ (۵) چه کسی پرونده را

قضات می‌کند؟ (۶) مدرک چیست؟ (۷) دادگاه قبل از صدور حکم چه می‌کند؟ و بالاخره: (۸) حکم چیست؟

۱-۲- طرفین دعوا چه کسانی هستند؟

با توجه به سطرهای ۶ تا ۹، آنیخ شوشو و لولو، پسران دمقیا، ادعایی را علیه بیلی مطرح کردند:

².ûma[ana dīnim itteb]ana PN<sub>3</sub> PN<sub>u</sub> PN<sub>2</sub>. بنابراین مدعیان (خواهانان) آنیخ شوشو و لولو پسران دمقیا هستند. و مدعی علیه (خوانده)

بیلی پسر اخوخوتو است که از پدرش اموالی به ارث برده است.

۲-۲- موضوع دعوا چیست؟

سند با ثبت موضوع دعوا آغاز می‌شود، (خطوط ۱-۵)، که به نظر می‌رسد یک «زمین (به اندازه نیازمند به) یک کور بذر است.» در مورد اندازه‌گیری

مزارع در شوش، دگراف<sup>۳</sup> خاطر نشان می‌کند: «اندازه مزرعه یا باغ معمولاً با اندازه‌گیری مساحت مشخص نمی‌شود، بلکه با مقدار بذر لازم برای کشت

مزرعه یا باغ میوه مورد نظر که با عبارت A.ŠA X NUMUN- Šu بیان شده است «یک مزرعه به x لیتر بذر نیاز دارد» (به معنای واقعی کلمه «یک

1. E.Dombradi (1996): Die Darstellung des Rechtsaustrags in den altbabylonischen Prozessurkunden. Stuttgart, V.1, p.38.

و همچنین بنگرید به:

R.Westbrook (ed.) (2003): A history of ancient Near Eastern law. Leiden, p.376-369.

۲. رجوع کنید به MDP۲۲, ۴.F:۱۶۲, همچنین بنگرید به MDP۲۴, ۴.F:۳۹۳ و MDP۲۳, ۵-V.F:۳۲۰.

۳. این یک عمل معروف است همانطور که خاطرنشان می‌کند:

(S.Démare-Lafont (2006): Prozess (Procès). A. Mesopotamien, Reallexikon der Assyriologie 11, p.73) «l'objet du litige est indiqué au debut de la tablette

4. K. De Graef (2018b): In Susa's fields. On the topography of fields in Old Babylonian administrative documents from Susa, in: J. Tavernier [e. a.] (ed.), Topography and toponymy in the ancient Near East: Perspectives and prospects. Louvain, p.271

مزرعه x لیتر (یعنی بذر آن است.)<sup>۱</sup> برای تبدیل مساحت به بذر، میزان کاشت مرسوم یک کور بذر (حدود ۳۰۰ لیتر) در هر بار زمین (حدود ۶۴۸۰۰ متر مربع).<sup>۱</sup> روش بیان واحدهای مساحت بر حسب بذر هنوز در عناوین اراضی کشاورزی در ایران امروزی به اثبات رسیده است و تبدیل آن به سیستم متریک بسته به منطقه و دسترسی به آبیاری متفاوت است.

### ۳-۲- ادعا چیست؟

مدعیان (خواهانان) ادعا می‌کنند<sup>۲</sup>: *Bēli nīnu nikkalmi, makkūra ša Aḫūḫuti [abi ša]* (ما صاحبان «واقعی» ملک اخوخوتو پدر بیلی هستیم). خواهان ادعای مالکیت/حقوق بر ملک زمینی را دارند (حدود ۶,۵ هکتار، زمین نسبتاً بزرگ) که از پدر خوانده، به خوانده ارث رسیده است.

### ۴-۲- دفاعیات ارائه شده توسط خوانده<sup>۳</sup>

پاسخ خوانده در سطرهای ۱۴ تا ۲۰ آمده است: «بیلی چنین گفت: دمقیا پسر آتیخ شوشو او را برادر خواند. *(ana aḫḫūti ilqēšu-ma)*. بر اساس عرف/قانونی که خدایان اینشوشیناک و ایشمکرب وضع کرده‌اند، آن قرارداد برادری یک رابطه برادری ایجاد می‌کند و قرارداد پسری یک رابطه فرزندی (ایجاد) می‌کند، دارایی اخوخوتو، پدرم، (...)<sup>۴</sup> متعلق به من است (متعلق به من شده است)». خوانده پاسخ داد که پدر خواهانان، دمقیا، پدرش را به عنوان برادر پذیرفته است و از طریق آن معامله، پدرش زمین را دریافت کرده است و نهایتاً این زمین از پدرش به او ارث رسیده است. در اینجا خوانده به یک قانون الهی متوسل می‌شود (*kubusṭi*) که حقوق خویشاوندی برابری را به خویشاوندی ایجاد شده توسط برادرخواندگی اعطا می‌کند. این یکی از نمونه‌های نادری است که در دعاوی خط میخی و به طور کلی در اسناد آشوری به قانون استناد شده است.<sup>۵</sup>

فعل تارو (*tāru*) دو بار در این سند استفاده شده است. یک بار در خط 20 (*it-tu-ra-am-mi*) و دوباره در خط 10 پیکر بندی مهر<sup>۶</sup>. دومبرادی<sup>۷</sup> اشاره می‌کند که تاروم (*tārum*) به عنوان یک اصطلاح فنی در اسناد دعوی از نظر معنایی با راگاموم (*ragāmum*) و باقروم (*baqārum*) مشابه است، و به معنای بازگشایی یک ادعا می‌باشد. این معنای فعل در اثر مهر است.

۱. رجوع کنید به: Powell, M. A. (1990). *Maße und Gewichte, Reallexikon der Assyriologie*: 485,438-481.p,7

۲. خطوط ۱۰-۱۱

۳. چند نشانه شکسته شده، بازسازی شده توسط Scheil به طور مثال [ *šà ia-a-ti* ].

۴. بعد از CAD A, 1, 187

۵. همین عبارت در قرارداد برادری MDP ۲۲,۳: ۱۳-۱۵ آمده است.

6. K.De Graef (2018a): The seal of an official or an official seal The use of court seals in Old Babylonian Susa and Haft Tepe, *Journal of the American Oriental Society* 138, p.125 (i-tu-ur-ru-ma )

7. E.Dombradi (1996): Die Darstellung des Rechtsaustrags in den altbabylonischen Prozessurkunden. Stuttgart, V.1, p.51



فعل لازم تاروم به شکل ساده به معنای «برگرداندن، بازگشت»<sup>۱</sup> است و ایتورامی ittūrammi، یک پایه G کامل با پسوند مفعولی اول شخص مفرد به معنای «به من بازگشته است.» دگراف<sup>۲</sup> به اشتباه ترجمه می‌کند «به من برگردانده شده است»، اما یک تفسیر منفعل به یک پایه Dt نیاز دارد که در اینجا وجود ندارد. دگراف سپس فرض می‌کند که قبلاً یک حکم دادگاه وجود داشته است. این فعل ممکن است نشان دهد که قبلاً، شاید در حین تقسیم ارث، اختلافی وجود داشته است، اما لزوماً به دعوی قبلی اشاره نمی‌کند. اگر حکم قبلی به نفع خواننده وجود داشت، انتظار می‌رفت که بیشتر در مورد آن بشنویم. اما در عوض فقط از الواح مربوط به تقسیم ارث می‌شنویم.

تفاوت‌های ظریف حقوقی فعل لازم تارو را می‌توان با قوانین حمورابی نشان داد. این فعل از ملک برای بازگشت به صاحبش استفاده می‌شود:

ماده 37: u bitum ana bēlišu itār tuppāšu ihēppe u ina kaspīšu itelli eqlum kirūm:

ماده 67 به بعد: itār ina mimma ša iddinu itelli bitum ana bēlišu

ماده 177: ina kaspīšu itelli makkūrum ana bēlišu itār:

در همه این موارد، معامله قبلی بیع باطل است و مال «به صاحبش برمی‌گردد» یعنی متعلق به مالک آن است (اثر خودبه‌خود قانون). وقتی دادگاه چیزی را به کسی برمی‌گرداند، فعل متعدی (ریشه در turrum) به عنوان مثال در ماده ۲۷ استفاده می‌شود: utarrūšum-ma. eqelšu u kirāšu اگر سر بازی توسط دشمن اسیر شود آنها (مقامات) زمین او را به شخص دیگری می‌دهند با این حال، اگر سر باز اسیر شده موفق شود به شهر خود بازگردد، «مقامات زمینش را به او پس خواهند داد.» در مورد اول، فروش زمین - ایلکو<sup>۳</sup> یا دارایی یتیمان<sup>۴</sup> غیر قانونی و در نتیجه باطل است. ملک همچنان متعلق به مالک است. با این حال، در مورد دوم<sup>۵</sup> این امتیاز سر باز است که آن زمین-ایلکو را پس بگیرد، اما مقامات باید دخالت کنند (یعنی به طور خودکار اتفاق نمی‌افتد).

۲-۵- چه کسی پرونده را قضاوت می‌کند؟

هیأت‌های مقاماتی که پرونده را برای صدور حکم اداره می‌کنند (دومبرادی Organe der Rechtsprechung) چهار بار در سند ذکر شده است

خط ۱۱-۱۲. u Hābil-kīnu dayyāni [maḥar teppir]

خط ۲۱-۲۳: teppir [u d]jāyānu ḥašša kīparum u mārū [Šuši]m mādūtu itti teppir [u d] ayyāni izzizzūma

خط ۳۴-۳۵: teppir dayyānu u mārū Šušim mādūtu

خط ۳۷: teppir u dayyānū

1. CAD T, 250

2. K.De Graef (2018a): The seal of an official or an official seal The use of court seals in Old Babylonian Susa and Haft Tepe, Journal of the American Oriental Society 138, p.132

۳. ماده ۲۷، ۶۷ به بعد

۴. ماده ۱۷۷

۵. ماده ۲۷

در وهله اول، وزیر (تپیر) و خبیل کینو قاضی؛ در وهله دوم، وزیر و قاضی، با حَسَّه و مقامات کپپارو و سایر<sup>۱</sup> شهروندان شوش در کنار آنها نشستند. در وهله سوم، وزیر، قاضی و سایر شهروندان شوش که به صورت جمعی ذکر شده‌اند. در نهایت، فقط وزیر و قاضی (ها). اینها لزوماً افراد متفاوتی نیستند: ابتدا وزیر و یک قاضی (به نام خبیل کینو) پرونده را برای محاکمه می‌پذیرند، اما هیئت قضایی (Richterkollegium) متشکل از این افراد است؛ وزیر، قاضی، حَسَّه و مقامات کپپارو و سایر شهروندان شوش. آنها را می‌توان به این صورت خلاصه کرد: وزیر، قضات و سایر شهروندان شوش، یا صرفاً وزیر و قضات.

ما سنت مشابهی را در CT ۴۸۳:۱۳-۱۸ می‌بینیم، جایی که مدعیان (خواهانان) ابتدا نزد (ik-šu-du-ma) شخص شهردار سپیار برای طرح دعوی علیه خوانده می‌روند. سپس شهردار به همراه یک نفر دیگر و بازاریان سپیار پرونده را می‌شوند و شواهد را بررسی می‌کنند.<sup>۲</sup> حضور (بسیاری دیگر) «شهروندان شوش» به معنای دیوان عالی کشور و حتی مرحله تجدیدنظر نیست. در محاکمه دیگری در شوش، «مردان زیادی» (۳۴ نفر در متن ذکر شده است) در حال شنیدن یک پرونده املاک و مستغلات در جلسه اولیه هستند. (MDP ۲۴:۳۹۳، ۱۱-۱۲): a-wi-lu-ú: «مردان زیادی حضور داشتند و منصب قضاوت را برای آنها انجام دادند.» همکاری قضات حرفه‌ای و غیر رسمی از منابع بابلی کاملاً شناخته شده است.<sup>۳</sup> با این حال، تعداد زیادی از قضات در یک دادرسی جمعی، مانند گواهی MDP ۲۴:۳۹T مختص شوش است.

## ۲-۶- و چه مدرکی وجود دارد؟

مدارک کتبی ارائه شده به وزیر و سایر قضات سه بار ذکر شده است:

- الواح دمقیاً که محتویات آن در بند نسبی زیر خلاصه شده است (خطوط ۳۶-۳۱).
  - «الواح ثبت کننده تقسیم ارث»<sup>۴</sup> که بلافاصله قبل از فعل اصلی ذکر شده‌اند، احتمالاً به مفعول مستقیم در ابتدای عبارت اشاره دارد.
  - «الواحی که سهم ارث را ثبت می‌کنند»<sup>۵</sup> که توسط هیئت حقوقی مورد بررسی قرار گرفت، ظاهراً همان اسناد بود.
- این اسناد ثابت می‌کند که دمقیاً ملک مورد اختلاف را به عنوان سهم خود در تقسیم ارث با برادرش امور نورشو دریافت کرده است. نکته بسیار مهم، همچنین نشان می‌دهد که دمقیاً قبل از عقد قرارداد برادری با پدر خوانده (یعنی اخوخوتو)، به طور قانونی از برادر خونی خود جدا شده است.

۱. برای «بسیاری» از (mādūtum) با معنی «دیگران، همه دیگران (در یک گروه خاص)» رجوع کنید به Biblical idiom in Akkadian, in: M. E. Cohen [e.a.] (ed.), The tablet and the scroll. Studies W. W. Hallo. (1993) M.Stol 247.Bethesda,p

۲. همانطور که وستبروک اشاره می‌کند، این جلسه اولیه توسط یک افسر عام برای پذیرش پرونده بیشتر در لارسا بود: «در لارسا، طرفین به یک مقام مراجعه کردند که آنها را به دادگاه مناسب فرستاد.»

۳. «قضات صاحب عنوان، مقامات سلطنتی، و احتمالاً حتی افراد غیر روحانی ممکن است برای تشکیل دادگاه به یکدیگر ملحق شوند.» (R.Westbrook (ed.) (2003): A history of ancient Near Eastern law. Leiden, p.368 )

4. tuppāti ša Damqīya . سطر 25

5. tuppāti ša zizūti . سطر 32

6. ša zitti, tuppāti. سطر 36

۱ «آنها (اموال) را تقسیم کرده بودند، (حسابها) را تسویه کردند و از (کلیه ادعاها علیه یکدیگر) صرف نظر کردند.» بنابراین، دمقیا از نظر قانونی صلاحیت انتقال زمین را به برادر خوانده‌اش داشت.

#### ۷-۲- دادگاه قبل صدور حکم چه می‌کند؟

دادگاه اموال مورد نظر را بررسی می‌کند، سپس به اسناد کتبی ارائه شده توسط طرفین دعوا به دادگاه گوش فرا می‌دهد و مشخص می‌کند که آیا شواهد می‌توانند ادعا را اثبات کنند یا خیر.<sup>۲</sup> CAD T نوشته

۳ *iškunūma teppir u dayyānū lē'ūssunu ša PN u PN<sub>2</sub>* را ترجمه می‌کند به: «وزیر و قضات PN و PN<sub>2</sub> را به عنوان برنده اعلام کردند».<sup>۴</sup> AHw. لوتو (*lē'ūtu*) را به عنوان «کارایی، خرد» ترجمه می‌کند، اما با اشاره به یادداشت‌های شوش اشاره می‌کند که این محاکمه نشان دهنده «پیروزی در روند» است. این برداشت با متن مطابقت ندارد، زیرا در خطوط ۴۴-۴۶ مشخص می‌شود که خواهان برنده نشدند و ادعای آنها رد شد. بنابراین، سالونن<sup>۵</sup> «توانایی، امکان برنده شدن (در روند)» را پیشنهاد کرد: قضات بررسی می‌کنند که آیا خواهان توانایی اثبات ادعایشان را دارند که ممکن است به آنچه شایگان در پی آن هستند منجر شود یا نه. در دعوا دیگر<sup>۶</sup> که در آن کسانی که استطاعت (توانایی) آنها مشخص شده است (یعنی بررسی شده) نیز برنده پرونده نیستند. این اصطلاح پس از آن قابل مقایسه با *dīnam diānum* است، یک نشانه خنثی مبنی بر اینکه یک محاکمه انجام شده است.

#### ۸-۲- حکم چیست؟

در سطرهای ۴۴ تا ۴۶ گفته می‌شود که قضات اموال را (از دعاوی علیه آن) پاک می‌کنند و آن را به خواننده می‌دهند. بخش اصلی حکم دادگاه با یک اصطلاح حقوقی فنی بیان می‌شود. اوبوبوم *ubbubum*، «پاک کردن یک شخص یا ملک از ادعای حقوقی»<sup>۷</sup> و فعل مشترک نادانوم *nadānum*، «دادن، تحویل دادن».<sup>۸</sup> دومبرادی<sup>۹</sup>، *ubbubum* به عنوان یک اصطلاح فنی در کلمات زیر تعریف می‌کند (اشاره‌ها حذف شدند):

۱. *zīzū mesū duppurū* (خط 31)

۲. برای *rešam našūm* بنگرید به CAD N<sub>2</sub>, 107 (برای بررسی کیفیت یا کمیت مزارع، مواد، کالاها و حیوانات) و رجوع کنید به K. R. Veenhof (1985): *Sag-il-la = saggilū*, "difference assessed". On measuring and accounting in some Old Babylonian texts, in: J.-M. Durand/J.-R. Kupper (ed.), *Miscellanea babilonica. Mélanges M. Birot*. Paris, p.297

۳. CAD : فرهنگ آشوری دانشگاه شیکاگو

4. CAD T, 345

۵. به همین ترتیب CAD L, P 162

۶. فرهنگ اکدی به آلمانی فون سورن

7. E. Salonen (1967): *Glossar zu den altbabylonischen Urkunden aus Susa*. Helsinki, p.49

8. MDP23,320, rev. 5-3

9. MDP23,320, rev. 5-3

10. E. Dombardi (1996): *Die Darstellung des Rechtsaustrags in den altbabylonischen Prozessurkunden*. Stuttgart, V.1, p.344

Das "Reinigen" des Streitgegenstandes ... welches hauptsächlich in den Urkunden aus Ur  
vorkommt, war de facto wohl ein Folge der Zurückweisung des Begehrens. Und zwar wurde die  
Sache, an welche das zu Unrecht geltend gemachte Begehren geknüpft war, rituell

gereinigt

(«پاکسازی» موضوع دعوا... که عمدتاً در اسناد اور مشاهده می شود، احتمالاً عملاً نتیجه رد درخواست بوده است.

چیزی که میل به اشتباه بودن به آن مرتبط شده است، به طور تشریفاتی پاک شده بود.)

به عبارت دیگر، این اصطلاح فنی معمولاً زمانی مشاهده می شود که ادعا توسط دادگاه رد شود. فعل *ubbubum* همچنین MDP ۳۹۳، ۲۴:۱۹ (و) مجدداً در ردیف ۵۲) جایی که خواننده سوگند یاد می کند که ادعای خود را رد کند و صحت سند خود را تأیید کند. سپس ادعا را برای او پاک می کنند: *Iqīšunni* ایقیشونی با سوگند، خانه را برای او پاک کردند (یعنی لقب نیکو به او دادند). «اموالی که دادگاه در ردیف های ۴۴ تا ۶۱ پاک می کند و به خواننده می دهد با اموال مورد مناقشه شرح داده شده در ردیف های ۱ تا ۵ یکسان است. شکی باقی نمی ماند که ادعای شاکی رد شده است.

### ۳- عقد برادری

د مایر (۱۹۶۱)، در یکی از معدود مطالعات پیشینه شناسی که به متون شوش اختصاص دارد، به مطالعه خانواده آنبخ شوشو می پردازد. در اینجا به برخی از نتایج او اشاره می کنیم. آنبخ شوشو بزرگ دو پسر داشت: دمقیبا *Damqīya* و آمورنورشو *Āmur-nūršu* که پس از مرگ پدرشان سندی برای تقسیم اموال پدری تنظیم کردند. مورد چهار زمین می خوانیم<sup>۱</sup>: برادران سه زمین اول را بین خود تقسیم می کنند، اما چهارمی به عنوان سهم ترجیحی به دمقیبا داده می شود. این نشان می دهد که دمقیبا اولین پسری بود که چنین سهمی (معمولاً یک سهم اضافی) دریافت می کرد. در MDP ۳۳، ۱۷۰ مزارع به نام کشاورزی که در مزرعه کار می کند نامگذاری شده است. مثلاً: «در مورد مزرعه ای که آپاروم *Apparum* (کشت) می کند، بخش بعدی «الف» متعلق به دمقیبا و بخش بعدی «ب» متعلق به آمورنورشو است (سطرهای ۱-۴). زمین<sup>۲</sup> بر اساس اندازه گیری و موقعیت آن شرح داده شده است، از این رو نمی توان با قطعیت گفت که کدام یک از این چهار زمین بعداً به پدر بیلی *Bēlī* منتقل شده است. به گفته د مایر<sup>۳</sup> احتمالاً زمین چهارم است.

دمقیبا پس از جدایی از برادرش با اوخوتو قرارداد برادری بست.<sup>۴</sup> دلیل و زمان این مشارکت برای ما پنهان است. د مایر<sup>۵</sup> فکر می کند احتمالاً قبل از اینکه دمقیبا پسری از خود داشته باشد با برادر خوانده اش همسن و سال بوده است، زیرا اگر اختلاف سنی زیادی وجود داشته بود دمقیبا احتمالاً

23,170 MDP. 1

2. MDP 322+23,321

18.p, 1 Une famille susienne du temps dessukkalmahhu, Iranica Antiqua (1961) L.De Meyer

۴. همانطور که در MDP ۳۳، ۲۲۱:۱۵ می خوانیم

5. L.De Meyer (1961): Une famille susienne du temps dessukkalmahhu, Iranica Antiqua 1, p.17

قرارداد *mārutu* (فرزندخواندگی) را انجام می‌داد. در این قرارداد بود که دمقیا مزرعه‌ای در ناحیه سوم به برادر جدیدش داد. این قابل توجه است آیا دمقیا در هنگام انعقاد قرارداد برادری، فرزندی داشته است یا خیر. قرار داد اخوخوتو (برادری) را به منظور ایجاد اموال مشترک شکل گرفت، مفهومی که مشابه وضعیت برادران غیرمشترک در دارایی پدری است. این نوع فقط در شوش در دوره سوکل‌مخ به اثبات رسیده است، اگرچه چند قرن بعد در تمدن‌های دیگری مانند نوزی، اوگاریت و در کتاب مقدس مشاهده شده است.<sup>۱</sup>

وستبروک<sup>۲</sup> قرارداد برادری اخوخوتو را به عنوان شکلی از مشارکت می‌شناسد، که خود از تفسیر گایوس از مفهوم رومی *adoptio in fratrem* (برادرخواندگی) الهام گرفته است.<sup>۳</sup> گایوس، حقوقدان رومی از قرن دوم میلادی، نوعی شراکت را بیان می‌کند به نام *ercto non cito*، که «مالکیت غیر قابل تقسیم» است.<sup>۴</sup> این مشارکت به طور طبیعی بین برادرانی که هنوز اموال پدری را تقسیم نکرده بودند وجود داشت. با این حال، «افراد دیگر نیز، اگر می‌خواستند این نوع مشارکت را داشته باشند، می‌توانستند با استفاده از یک اقدام معین در قانون، قبل از قاضی به آن دست یابند.»<sup>۵</sup> به همین ترتیب، شراکت اخوخوتو توسط یکی از شرکا ایجاد شد که دیگری را به عنوان برادر پذیرفت.<sup>۶</sup> به طور کلی یک مشارکت فراگیر ایجاد می‌کند،<sup>۷</sup> اما طرفین می‌توانند تغییراتی را اعمال کنند. برای مثال، یکی از طرفین می‌تواند دارایی‌های قبلی را از دارایی مشترک حذف کند.<sup>۸</sup> در مورد هدف این قرارداد، کلیما<sup>۹</sup> نوشت:

«Das Wesen dieses Rechtsgeschäftes stellt im Grunde die Erbeinsetzung eines extraneus dar, welcher zwar zur nächsten Verwandtschaft des Erblassers gehört, ursprünglich aber unter die gesetzlichen Erben nicht gerechnet werden konnte.»

«Deshalb mußte seine Berufung als Erbe in der Form einer vertragsmäßigen Erbfolge verwirklicht werden»

«ماهیت این معامله حقوقی اساساً معرف انتصاب یک فرد غریبه به عنوان وارث است که اگرچه متعلق به نزدیک‌ترین بستگان موصی

است، اما در اصل نمی‌توان آن را در زمره وارث قانونی قرار داد. بنابراین، دعوت او به عنوان وارث باید در قالب جانشینی قراردادی محقق می‌شد.»

در این تعبیر، عقد برادری، تنها به نفع یکی از طرفین است که برادر خوانده را وارث دارایی برادرخوانده قرار می‌دهد. برادر پذیرفتن فردی به

1. R. Westbrook (1991): *Property and the Family in Biblical Law*. Sheffield, p. 141-118

برای انواع آناتولی از دوره آشوری قدیم رجوع کنید به

K. R. Veenhof (1985): *Sag-il-la = saggilû, "difference assessed". On measuring and accounting in some Old Babylonian texts*, in: J.-M.

Durand/J.-R. Kupper (ed.), *Miscellanea babilonica. Mélanges M. Birot*. Paris, p.160-146

2. R. Westbrook (ed.) (2003): *A history of ancient Near Eastern law*. Leiden, p.411

3. R. Westbrook (1991): *Property and the Family in Biblical Law*. Sheffield, p.118

۴. قانون سوم، ۱۵۴ به بعد

۵. قانون سوم، ترجمه

W. M. Gordon./O. F. Robinson (1988): *The Institutes of Gaius*. Ithaca, p.154b

6. MDP 286, 23

۷. مانند MDP ۲۸۸، ۴۲۵، ۴۲۵ که آن را در زیر می‌بینید

8. MDP 3, 22

9. J. Klíma (1960): *Untersuchungen zum elamischen Erbrecht*, *Archív Orientální* 28, p.46

منظور وارث کردن او در کنار فرزندان، اصولاً بعید است، زیرا در نظام خاور نزدیک باستان اگر فرزندی وجود داشته باشند، برادر ارث نمی‌برد.<sup>۱</sup> و اگر کسی فرزندی نداشته باشد، گزینه بدیهی برای ارائه وارث، طبق معیارهای باستانی، فرزندخوانده‌ای به عنوان پسر یا دختر خواهد بود. برای حل این مشکل، کوشاکر<sup>۲</sup> نظریه برادرسالاری معروف خود را پیشنهاد کرد. با این حال، آنچه این محققان برادرسالاری می‌نامند، ممکن است تنها نوعی مشارکت باشد که قصد دارد پیوندهای اجتماعی و همچنین منافع اقتصادی را تقویت کند. عارضه از این واقعیت ناشی می‌شود که قراردادهای برادری به وضوح انتظارات مربوط را بیان نمی‌کنند.<sup>۳</sup> دستیابی به زمین به عنوان انگیزه‌ای برای عقود برادری باید مورد توجه قرار گیرد: در یکی از نسخه‌های این نظریه خریدار زمین به عنوان یک خویشاوند در خانواده فروشنده پذیرفته شده است. با این حال، این خرید زمین به دلیل تصور فرزندخواندگی به عنوان برادر با اسناد شوش مطابقت ندارد، زیرا مشارکت‌های فراگیر وجود دارد که محدود به یک طرف نیست. در اینجا ما MDP ۴۲۵،۲۸ را به طور کامل نقل می‌کنیم که بسیار روشن در مورد ماهیت قراردادهای برادری است:

۲۸،۴۲۵ MDP

aḫ-ma-ḫa-am 14  
 i-qa-bi-ru IGI dMÜŠ.EREN 15  
 IGI dUTU IGI dNERGAL 16  
 IGI e-te-el-pi-šà 17  
 GÍN KÙ.<BABBAR> ib-ni-èr-ra 10 18  
 a-na pu-zu-zu A.ŠÀ a-šf-mi 19  
 i-di-nu-ma at-ḫu-sú 20  
 i-ra-am pu-zu-zu 21  
 a-wi-lu-um a-na a-wi-li-[im] 22  
 ù-ul a-ḫi at-ta 23  
MA.NA KÙ.BABBAR 10 i-qa-bu-ma 24

۱. برادران جدا شده در صورت وجود فرزندان از یکدیگر ارث نمی‌برند. برادران از پدر ارث می‌برند اما از یکدیگر ارث نمی‌برند.

2. P.Koschaker (1933): Fratriarchat, Hausgemeinschaft und Mutterrecht in Keilschriftrechten, Zeitschrift für Assyriologie 41, p.51

۳. در مورد قراردادهای فرزندخواندگی، وظیفه ارائه مراقبت به وضوح بیان شده است

(Westbrook, R. (ed.) (2003): A history of ancient Near Eastern law. Leiden, p.392)

Ì.L.Á.E 25

ta-šù ù li-šà-šu i-na-ki-sú-[ri] 26

pu-zu-zu ù ib-ni-èr-ra 1

at-ḥu-ù i-na níg.gur<sub>11</sub> 2

šà pu-zu-zu ib-ni-èr-ra 3

i-ša-am ù ma-da-am 4

i-ra-ší i-na NÍG.GUR<sub>11</sub> 5

šà ib-ni-èr-ra 6

pu-zu-zu i-ša-am ù ma-da-am 7

i-ra-ší pu-zu-zu 8

GÁL KÙ.BABBAR li-ir-ší-ma.[NÍG] 9

ni-èr-ra i-za-as-súm-[ib] 10

KÙ.BABBAR èr-ra NÍG.GUR<sub>11</sub>-[ib-ni] 11

li-ir-ší-ma pu-zu-zu 12

i-za-as-sú 13

MU si-ir-uk-tu-uḥ IN.PÀ.DA.MEŠ 27 m

(۲-۱) پوزوزو و ایبنی ارا برادر / شریک هستند. (از این رو):

(۵-۲) در ملک پوزوزو، هر چه باشد (کم یا زیاد)، ایبنی ارا حق مالکیت دارد.

(۸-۵) در ملک ایبنی ارا، هر چه باشد (کم یا زیاد)، پوزوزو حق مالکیت دارد.

(۱۰-۸) (اگر در آینده) پوزوزو کالا یا نقره ای به دست آورد، ایبنی ارا با او شریک خواهد شد.

(۱۳-۱۱) (و اگر) ایبنی ارا هر گونه اموال یا نقره به دست آورد، پوزوزو با او شریک خواهد شد.

(۱۵-۱۴) هر یک از آنها مراسم دفن دیگری را برعهده می‌گیرد.

(۱۷-۱۵) قبل از خدایان اینشوشیناک، شمش و نرگل و قبل از اتل پیشا.

(۲۱-۱۸) (برای) ده شقل نقره، (قیمت خرید از) زمینی که ایبنی ارا به پوزوزو فروخت، پوزوزو خواستار مشارکت/برادری با او بود.

(۲۷-۲۲) اگر یکی (شریک/برادر) به دیگری بگوید «تو برادر من نیستی!» ده مینا نقره بپردازد و دست و زبانش را قطع کنند. به سیروکتوخ (شاه

ایلامی) سوگند یاد کردند.

این یک مشارکت فراگیر است که در آن طرفین در هر آنچه که دارند و در آینده به دست می‌آورند برادر و شریک می‌شوند. علاوه بر این، هر شریک وظیفه دارد برای دیگری مراسم تدفین برگزار کند که جنبه شخصی بیشتری به شراکت تجاری می‌افزاید. وظیفه تأمین دفن برادر (qeb rum) را می‌توان با وظیفه یک دختر برای تهیه نذورات به پدر مقایسه کرد (کیسپوم) همانطور که در MDP ۲۳، ۲۸۵<sup>۱</sup> یافت می‌شود، جایی که پدري دختر خود را به عنوان تنها وارث منصوب می‌کند و علاوه بر این تصریح می‌کند که: «تا زمانی که من زنده هستم به من غذا می‌دهید و وقتی بمیرم برای ترحیم من درست می‌کنید.»<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد که برگزاری یکبار مراسم تدفین سبک تری نسبت به تعهد همیشگی برای تهیه غذا یا نذری است در خطوط ۱۸ تا ۲۱ پوزویو یک مزرعه از اینی ارا خریداری کرد، اما او مبلغ را پرداخت نکرد. در عوض فروشنده را به عنوان شریک/برادر پذیرفت. به نظر بسیار محتمل به نظر می‌رسد که یکی از طرفین اموال منقول بیاورد و دیگر اینکه همانطور که در قرارداد برادری اوگاریت (شهری باستانی در شمال سوریه) RS ۲۱،۲۳۰ که توسط وستبروک<sup>۳</sup> مورد مطالعه قرار گرفته است، نیز اثبات شده است.<sup>۴</sup>

این مقاله به صورت کوتاه MDP ۲۳، ۳۲۱+۳۲۲ را مجدداً مورد بررسی قرار داده است و استدلال می‌کند که سند مورد بحث تنها یک محاکمه را ثبت می‌کند که در آن استدلال معتبر خواننده و استیناف وی از یک قانون توسط دادگاه پذیرفته شده است. علاوه بر این، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که این دادگاه تجدید نظر باشد. همانطور که وستبروک<sup>۵</sup> توضیح داد، «هیچ نهاد رسمی استیناف از دادگاه بدوی وجود نداشت.» با این حال، تجدیدنظرخواهی از یک حکم می‌تواند از طریق دادخواست به یک مقام بالاتر و در نهایت به پادشاه آغاز شود. به عبارت دیگر، مگر اینکه مرجع بالاتری وارد عمل شود، احکام دادگاه قطعی می‌شد. نظر دگراف از یک رویه تجدیدنظر بعید است زیرا هیچ سلسله مراتبی بین هیئت‌های قضایی مختلف که او توصیف می‌کند وجود ندارد.<sup>۶</sup> نهاد برادری، استناد به قانون، و هیئت قضایی چشمگیر این محاکمه را استثنایی کرده است. مطمئناً شایسته است که در بحث‌های مربوط به رویه‌های قضایی بابلی قدیم گنجانده شود.

فهرست مراجع

## Badamchi, H. (2018): The care of the elderly in Susa. A study of the Akkadian legal texts

1. H.Badamchi (2018): The care of the elderly in Susa. A study of the Akkadian legal texts from the Sakkalmah period, Akkadica 139, p.174

۲. خطوط ۱۵-

3. R.Westbrook (1991): Property and the Family in Biblical Law. Sheffield, p. 131

۴. همچنین برای دیدن دلایل ارائه شده به MDP ۲۳، ۲۸۶: ۴ رجوع کنید: «برای به دست آوردن دارایی خود، PN را به عنوان برادر پذیرفت.»  
( ana rašê makkūrišu PN ana ahhūti ilqe)

5. R.Westbrook (ed.) (2003): A history of ancient Near Eastern law. Leiden, p.30

6. K.De Graef (2018a): The seal of an official or an official seal The use of court seals in Old Babylonian Susa and Haft Tepe, Journal of the American Oriental Society 138, p.133



from the Sukkalmah period, *Akkadica* 178–159, 139

Collon, D. (ed.) (1997): 7000 years of seals. London De Graef, K. (2018a): The seal of an official or an official seal? The use of court seals in Old Babylonian Susa and Haft Tepe, *Journal of the American Oriental Society* 142–121, 138

\_\_\_\_\_. (2018b): In Susa's fields. On the topography of fields in Old Babylonian administrative documents from Susa, in: J. Tavernier [e. a.] (ed.), *Topography and toponymy in the ancient Near East: Perspectives and prospects*. Louvain, 312–267

Démare-Lafont, S. (2006): Prozess (Procès). A. Mesopotamien, *Reallexikon der Assyriologie* 91–71, 11

De Meyer, L. (1961): Une famille susienne du temps des sukkalmahhu, *Iranica Antiqua* 19–8, 1

\_\_\_\_\_. (1962): *L'accadien des contrats de Suse*. Leiden

Dombradi, E. (1996): Die Darstellung des Rechtsaustrags in den altbabylonischen Prozessurkunden. Stuttgart Gordon, W. M./O. F. Robinson (1988): *The Institutes of Gaius*. Ithaca

Klíma, J. (1960): Untersuchungen zum elamischen Erbrecht, *Archív Orientální*, 28 54–5

Koschaker, P. (1933): Fratriarchat, Hausgemeinschaft und Mutterrecht in Keilschriftrechten, *Zeitschrift für Assyriologie* 89–1, 41

MDP 22 = Scheil, V. (1930): *Actes juridiques susiens*. Paris

MDP 23 = Scheil, V. (1932): *Actes juridiques susiens (suite: n°166 à n°327)*. Paris

MDP 24 = Scheil, V. (1933): *Actes juridiques susiens (suite: n°328 à 395)*. Paris

MDP 28 = Scheil, V. (1939): *Mélanges épigraphiques*. Paris Mofidi-Nasrabadi, B. (2011): Die Glyptik aus Haft Tappeh. Interkulturelle Aspekte zur Herstellung und Benutzung von Siegeln in der Anfangsphase der mittelelamischen Zeit. *Elamica Hildesheim*

Powell, M. A. (1990): Maße und Gewichte, *Reallexikon der Assyriologie* 517–457, 7

Renger, J. (1977): Legal aspects of sealing in ancient Mesopotamia, in: M. Gibson/R. D. Biggs (ed.), *Seals and sealing in the ancient Near East*. Malibu, 88–75

Salonen, E. (1967): *Glossar zu den altbabylonischen Urkunden aus Susa*. Helsinki

Stol, M. (1993): Biblical idiom in Akkadian, in: M. E. Cohen [e. a.] (ed.), *The tablet and the scroll*. Studies W. W. Hallo. Bethesda, 249–246

Veenhof, K. R. (1985): *Sag-il-la = saggilû*, “difference assessed”. On measuring and accounting in some Old Babylonian texts, in: J.-M. Durand/J.-R. Kupper (ed.), *Miscellanea babylonica*. Mélanges M. Birot. Paris, 306–285

— (1998): Old Assyrian and ancient Anatolian evidence for the care of the elderly, in: M. Stol/S. P. Vleeming (ed.), *The care of the elderly in the ancient Near East*. Leiden, 160–119

Westbrook, R. (1991): *Property and the Family in Biblical Law*. Sheffield Westbrook, R. (ed.) (2003): *A history of ancient Near Eastern law*. Leiden

Wilcke, C. (1982): *Zwei spät-altbabylonische Kaufverträge aus Kiš*, in: G. van Driel [e. a.] (ed.), *Zikir šumim*. Studies F. R. Kraus. Leiden, 483–426

## **According to the Laws Established by the Gods! A Re-Examination of MDP 23, 321+322**

### **Abstract**

In a recent paper, K. De Graef (2018a) discussed two exceptional seal impressions on tablets from late Sikkalmah Susa and early Kidinuid Haft Tepe. One text carrying the first of the pertinent seals is MDP 23, 321+322, a Susa tablet recording a trial over landed property. Following up De Graef's study, the present communication re-examines the case and argues that the text deals with a single trial, which most likely was a primary court hearing. Certain exceptional features of the text deserve attention, including the institution of brotherhood, a unique citation of law, and an impressive judicial panel.

**Keywords:** Susa tablet ; De Graef ; trial; Brotherhood contract; landed property. .